

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مطالعات فقه سیاست



دوفصلنامه علمی - پژوهشی
سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۳



صاحب امتیاز: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام
مدیر مسئول: آیت الله محمدجواد فاضل لنکرانی
سردبیر: سید جواد حسینی گرگانی



هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

- ♦ میرتقی حسینی گرگانی (مدرس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم)
- ♦ سیدجواد حسینی گرگانی (مدرس سطوح عالی حوزه علمیه قم، دکتری فقه روابط بین الملل)
- ♦ قاسم شبان نیا (دانشیار مؤسسه امام خمینی علیه السلام، دکتری علوم سیاسی)
- ♦ محمدجواد فاضل لنکرانی (مدرس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم)
- ♦ احمد مبلغی (مدرس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم)
- ♦ ابوالقاسم مقیمی حاجی (مدرس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم)
- ♦ محمدجواد نوروزی (استاد مؤسسه امام خمینی علیه السلام)
- ♦ محمد سعید واعظی (مدرس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم)

دبیر تحریریه: محمد قاسمی

طراح جلد: حمیدرضا پورحسین

مترجمان: سید محمد سجادی (عربی) - جاوید اکبری (انگلیسی)

دبیر اجرایی: حسین حمزه

صفحه آرا: محسن شریفی

دوفصلنامه **مطالعات فقه سیاست** بر اساس نامه شماره ۳۷۷۴ شورای اعطای مجوزها و امتیازهای شورای عالی حوزه‌های علمیه در جلسه مورخ ۱۴۰۳/۳/۲۹ از شماره سوم به رتبه علمی - پژوهشی ارتقاء یافته است.

نشانی: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، معاونت پژوهش، دفتر دوفصلنامه مطالعات فقه سیاست

تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۷۴۹۴۹۴ - ۰۲۵ - دورنگار: ۰۲۵ - ۳۷۷۳۰۵۸۸

قیمت: ۴۰۰۰۰۰ ریال





Addressing the Challenge of Psychological Security Based on Verses 60–62 of Sūrat al-Aḥzāb

*Amir Zahidi*¹

*Abbas 'Ali Sulṭāni*²

*Mujtaba Ilahi Khorasani*³

Abstract

In the Qur'ān, safeguarding the psychological and social security of the Islamic society is a critical and non-negotiable principle. Verses addressing *irjāf* (spreading rumors and creating unrest) provide a clear framework for countering those who sow discord and promote insecurity. This study examines the significance of psychological security within Islamic governance, drawing on Qur'ānic verses and religious texts to analyze the jurisprudential requirements and methods for addressing factors that disrupt social cohesion. The main research question is: How can Islamic rulings serve as the basis for formulating comprehensive laws to combat individuals or groups spreading rumors and psychological insecurity in society? Using interpretative and jurisprudential analyses, particularly focusing on the verses related to *irjāf*, the study argues for the necessity of legislation in this area. Findings reveal that the Qur'ān unequivocally supports measures such as confinement, exile, social exclusion, and, in severe cases, harsher punishments as deterrents against rumor-mongers. This approach underscores the urgency of modern legislation to protect societal

-
1. Graduate of Level Four from the Seminary of Khorasan and PhD Student at Ferdowsi University of Mashhad: amirzahedi18151@gmail.com
 2. Assistant Professor at Ferdowsi University of Mashhad: soltani@um.ac
 3. Faculty Member and Head of the Jurisprudence and Ijtihād Principles Educational Department at the Ākhūnd Khorāsānī Specialized Center (rahmatullāhi 'alayh): moj_elahi@yahoo.com



— Abstracts

129

unity and stability, particularly given the rapid proliferation of digital media and its profound impact on public opinion.

Keywords: Iṭjāf, Public Anxiety, Psychological Security, Rumor-Mongering, Actions Against Governance, Verses ٦٠-٦٢ of Sūrat al-Aḥzāb.

□

مطالعات فقهی

دوفصلنامه علمی - پژوهشی
سال چهارم، شماره هفتم (بهار و تابستان ۱۴۰۳)
تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۰۸/۲۶
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۳

مواجهه با چالش امنیت روانی از منظر آیات ۶۰ تا ۶۲ سوره احزاب

امیر زاهدی^۱

عباسعلی سلطانی^۲

مجتبی الهی خراسانی^۳

چکیده

در قرآن کریم، حفظ امنیت روانی و اجتماعی جامعه اسلامی از اصول حیاتی و غیرقابل اغماض شمرده شده است. آیاتی که به موضوع ارجاف می‌پردازند، رویکردی صریح برای مقابله با تشویش‌آفرینان و مروجان ناامنی روانی را ترسیم می‌کنند. این پژوهش، با هدف تبیین جایگاه امنیت روانی در حاکمیت اسلامی و بر اساس آیات قرآنی و نصوص شرعی، به بررسی الزامات و روش‌های فقهی در مقابله با عوامل برهم‌زننده انسجام اجتماعی پرداخته است. در این راستا، مسأله اصلی پژوهش این است که چگونه می‌توان با اتکا به احکام اسلامی، قانونی جامع برای مقابله با مرجفون و مروجین شبهه‌افکنی و ناامنی روانی در جامعه تدوین کرد؟ روش پژوهش بر اساس تحلیل آیات، به ویژه آیات مرتبط با ارجاف، تدوین شده است و با تحلیل تفسیری و فقهی، به استدلال درباره لزوم تقنین در این حوزه می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که با توجه به دستورات قاطع قرآن، می‌توان اقداماتی همچون حصر، تبعید، سلب مصونیت اجتماعی و حتی در موارد خاص مجازات‌های شدیدتر را به عنوان راهبردهای بازدارنده در مواجهه با تشویش‌آفرینان در نظر گرفت. این رویکرد، با توجه به چالش‌های ناشی از رشد سریع رسانه‌های دیجیتال و تأثیر عمیق آن‌ها بر افکار عمومی، ضرورت تقنین نوین برای صیانت از وحدت و استواری اجتماعی در عصر حاضر را برجسته می‌سازد. واژگان کلیدی: ارجاف، تشویش اذهان عمومی، امنیت روانی، شایعه پراکنی، اقدام علیه حاکمیت، آیات ۶۰ تا ۶۲ احزاب.

۱. فارغ التحصیل سطح ۴ حوزه علمیه خراسان و دانشجوی مقطع دکتری دانشگاه فردوسی مشهد،

amirzahedi18151@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه فردوسی مشهد، soltani@um.ac

۳. عضو هیأت علمی و مدیر گروه آموزشی فقه و مبانی اجتهاد مرکز تخصصی آخوند خراسانی علیه السلام

moj_elahi@yahoo.com



مقدمه

امنیت روانی به عنوان یکی از ارکان اساسی در ساختار یک جامعه سالم و متعالی، در مرکز توجه ادیان الهی، خصوصاً اسلام، قرار دارد. این امنیت در ابعاد گوناگون زندگی فردی و اجتماعی نمود یافته و به عنوان عنصری حیاتی، تأثیرات عمیق بر آرامش و نظم عمومی جامعه بر جای می‌گذارد. در سطح خانواده، امنیت روانی محیطی مطمئن و آرام‌بخش برای رشد و پرورش نسل‌های آینده خواهد بود؛ آیه «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» (روم/۲۱) به صراحت بیانگر اهمیت این امنیت در کانون خانواده است. در محیط کار نیز این امنیت روانی، به ارتقاء اعتماد و افزایش بهره‌وری منجر می‌شود. چنانکه در آیه «فَأَمْنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ» (قصص/۵۷) بر اهمیت اطمینان خاطر در زندگی شغلی و اجتماعی اشاره شده است. نهایتاً در سطح کلان اجتماعی، امنیت روانی شرط لازم برای دستیابی به نظم و همبستگی و زیربنای سلامت روانی و اخلاقی جامعه به شمار می‌رود.

تأکید قرآن بر ضرورت مقابله با مخلان امنیت روانی، در آیاتی همچون ۶۰ تا ۶۲ سوره احزاب نمایان است. در این آیات، خداوند به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دستور می‌دهد که در برابر افراد شایعه‌پراکن و مخلان آرامش اجتماعی به شدت برخورد نماید. این فرمان الهی از یک سو نشانگر قاطعیت دین اسلام در مواجهه با تهدیدات امنیت روانی جامعه است و از سویی دیگر بیانگر حکمت الهی در حفظ جامعه از آسیب‌های ناشی از تشویش اذهان عمومی است. این امر در موارد حساس - مانند زمان جنگ -، برای جلوگیری از آشفتگی و تقویت انسجام اجتماعی از اهمیت بیشتری برخوردار است.

با توجه به تحولات روزافزون فناوری و گسترش شبکه‌های دیجیتال، اهمیت امنیت روانی کشور به نحو چشمگیری افزایش یافته است. در عصری که رسانه‌های نوین و فضای مجازی قادرند در لحظه، اذهان عمومی را تحت تأثیر قرار دهند و احساس اضطراب و نگرانی را در جامعه ایجاد کنند، حفاظت از امنیت روانی وظیفه‌ای خطیر بوده و تدابیر و هوشیاری ویژه‌ای از سوی حاکمیت می‌طلبد. چالش‌های ناشی از فضای رسانه‌ای نوین، به ویژه در دوران جنگ نرم، موجب شده است که توطئه‌های روانی دشمنان به سهولت و با هزینه‌های کم از طریق ابزارهای مجازی گسترش یابند. جنگ روانی به واسطه فضای مجازی به مراتب سریع‌تر و فراگیرتر از جنگ‌های فیزیکی اجرا می‌شود. این امر ضرورت واکنش قاطع حاکمیت در برابر



مخلان امنیت روانی را بیش از پیش نمایان می‌سازد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در فرمایشات خود بر ضرورت ایجاد قوانین کارآمد و اتخاذ رویکردهای جدی در مقابله با افرادی که امنیت روانی جامعه را مختل می‌سازند، تأکید دارند. ایشان در بیانات خود با بیان اینکه «امنیت روانی یعنی چه؟ یعنی هر روز یک شایعه‌ای، یک دروغی، یک حرف هراس‌افکننده‌ای در ذهن‌ها پخش نشود» (دیدار با مسئولان قوه قضائیه ۱۴۰۳/۰۴/۰۷) به اهمیت ویژه امنیت روانی پرداخته و بر لزوم احیای حقوق عامه، به خصوص تأمین امنیت روانی تأکید ورزیده‌اند. این نگاه، که در جهت مقابله با شایعه‌پراکنی‌ها و توطئه‌هایی است که امنیت ملی را تهدید می‌کند، می‌بایست در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیمات کلان حاکمیت اسلامی انعکاس یابد تا آرامش جامعه حفظ گردد.

این پژوهش با استناد به آیات قرآن کریم، در راستای منویات مقام معظم رهبری، به بررسی و تحلیل ابعاد امنیت روانی در سطوح مختلف جامعه و لزوم تأمین آن با توجه به تأثیر فضای رسانه‌ای بر پایداری این امنیت پرداخته است. در این مسیر، آسیب‌شناسی و تحلیل مشکلات فعلی، شناسایی موانع موجود در مسیر تأمین امنیت روانی و ارائه راهکارهایی برای قانون‌گذاری و تقنین در زمینه مقابله با مخلان امنیت روانی به عنوان اهداف این تحقیق قرار دارد. امید است که این پژوهش با تحلیل درست احکام مستفاد از این آیات، بستری را فراهم آورد که سیاست‌گذاران را در اتخاذ تصمیمات دقیق و مؤثر در راستای حفظ امنیت روانی جامعه یاری رسانده و به ارتقاء آرامش و استحکام جامعه کمک نماید؛ به خصوص در شرایط فعلی جامعه و با توجه به تأثیرات گسترده‌ای که رسانه‌های نوین بر امنیت روانی دارند، ضرورت توجه بیشتر به مقوله امنیت روانی به وضوح احساس می‌شود. بی‌شک، تأمین امنیت روانی به طور مؤثر و کارآمد می‌تواند به استحکام و پایداری جامعه اسلامی کمک کند و از این طریق، همبستگی و اتحاد ملی را در مواجهه با چالش‌های روزافزون تقویت نماید.

پیشینه علمی مرتبط با پژوهش حاضر، بررسی‌های متعددی را شامل می‌شود که تعامل اسلام با پدیده شایعه‌پراکنی و ارجاف را از دیدگاه‌های گوناگون تحلیل کرده‌اند. نخستین اثر قابل توجه، پژوهش خانم فاطمه پنبه‌دانه‌زاده با عنوان «شایعه در قرآن و روایات» است که در سال ۱۳۹۱ هجری شمسی در مجله «لسان صدق» چاپ شده و به بررسی عمیق مفاهیم و کارکردهای شایعه در متون اسلامی پرداخته است. این تحقیق با تمرکز بر مبانی نظری و عملی شایعه‌پراکنی در قرآن و روایات، تأثیرات فرهنگی و اجتماعی این پدیده در جامعه اسلامی را تبیین می‌نماید.



عبدالرحیم فرغل البینی نیز در مقاله خود با عنوان «المنافقون و المرجفون فی نظر القرآن»، منتشرشده در سال ۱۴۳۲ قمری در مجله «منبر الاسلام»، جایگاه منافقین و مرجفین را در قرآن به صورت جامعی بررسی کرده است. این پژوهش، نقش منفی و مخرب این گروه‌ها را در ایجاد بی‌ثباتی در جامعه اسلامی به تفصیل مورد بررسی قرار داده و تأثیرات آسیب‌زای آن‌ها بر جامعه اسلامی را تحلیل می‌کند.

همچنین منصور ترکاشوند، عباسعلی حیدری و محمود قیّم‌زاده در مقاله‌ای با عنوان «جرم سیاسی ارجاف در فقه اسلامی»، منتشرشده در سال ۱۴۰۰ هجری شمسی در مجله «جستارهای سیاسی معاصر»، به جرم سیاسی ارجاف از منظر فقه اسلامی پرداخته‌اند. این مقاله پیامدهای قانونی و اجتماعی شایعه‌پراکنی را در جوامع اسلامی با رویکرد فقهی بررسی نموده و به تبیین ارتباط بین شایعه‌پراکنی و مسائل فقهی و قانونی در این حوزه پرداخته است.

عبدالکریم پاک‌نیا هم در مقاله خود تحت عنوان «شایعه، مهم‌ترین ابزار جنگ روانی دشمن» که در شماره ۱۱۸ از نشریه «ره‌توشه» منتشر شده، شایعه را به عنوان ابزاری مؤثر در جنگ روانی تحلیل نموده و اثرات منفی آن را بر امنیت روانی جامعه بررسی کرده است.

علی‌رغم این پژوهش‌ها، پرداختن به موضوع پژوهش حاضر از چند جهت ضروری به نظر می‌رسد؛ این پژوهش در راستای منویات مقام معظم رهبری است که به طور مکرر و در چندین دیدار با مسئولان قوه قضائیه، برخلاف قانونی برای برخورد با مخلان امنیت روانی در کشور تأکید نموده‌اند. ایشان تصریح کرده‌اند: «جای قوانین برخورد با مخلان امنیت روانی در کشور خالی است، هرچند گاهی و در بعضی موارد دادستان‌ها وارد شده‌اند و کارهایی انجام داده‌اند، اما باید با نظم و قاعده و به سرعت به تهیه قوانین در این زمینه پرداخت» (بیانات مقام معظم رهبری، دیدار با مسئولان قوه قضائیه، ۱۴۰۱/۰۴/۰۷ و تأکید مجدد ایشان در دیدار سال بعد به تاریخ ۱۴۰۲/۰۴/۰۶).

این پژوهش در راستای این مطالبات دقیق و هوشمندانه، تلاش می‌کند که با رویکردی فقهی، نشان دهد از فقه اسلامی حکمی صریح و کاربردی برای مقابله با مخلان امنیت روانی قابل استنباط بوده، می‌توان آن را در ابواب حدود و تعزیرات بررسی و قانون لازم را از آیاتی همچون آیات مرتبط با ارجاف استنباط نمود.

علاوه بر این، این پژوهش به بررسی علل عدم توجه فقها به موضوع ارجاف در گذر زمان می‌پردازد و با تحلیل دقیق عناوین مذکور در قرآن و بررسی ویژگی‌های «منافق»، «مرجف» و «مریض‌القلب»، سعی دارد اثبات نماید که ارجاف و نشر باطیل و برهم زدن امنیت روانی



جامعه نسبت به فضای حاکمیت به عنوان رفتاری اجتماعی و ویرانگر، به صورت خاص و ویژه در قرآن مورد توجه قرار گرفته و خداوند در مقابله با آن دستور صریحی صادر کرده است؛ دستوری که درباره نفاق و امراض قلبی، که بیشتر به اعمال قلبی و باطنی مرتبطند، به تنهایی مشاهده نمی‌شود. همچنین با توسعه معنایی مفهوم ارجاف و تمرکز بر قرائن قرآنی و تفسیری، رویکردی جدید و عملیاتی به این موضوع ارائه می‌دهد و توجه ویژه‌ای به شرایط نوین جامعه فناورانه و تکنولوژیک معاصر دارد.

۱. امنیت روانی و اهمیت آن

امنیت روانی به عنوان یکی از مفاهیم اساسی و حیاتی، نقشی بنیادین در حفظ سلامت روانی و ایجاد آرامش پایدار در سطح فردی و اجتماعی دارد. این مقوله گستره‌ای از امنیت در حوزه‌های فکری، امنیت روانی در محیط خانواده و محیط کار را در بر می‌گیرد؛ با این حال، تمرکز اصلی این پژوهش بر امنیت روانی در سطح جامعه است، که به طور خاص با امنیت روانی-سیاسی مرتبط می‌شود. رهبر معظم انقلاب نیز در بیانات خود به دفعات بر اهمیت این بُعد از امنیت تأکید نموده‌اند (رک: بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۰۲/۱۷، دیدار معلمان و فرهنگیان؛ ۱۳۹۲/۱۲/۲۰، پیام نوروزی).

وجود امنیت روانی و اعتماد عمومی به حاکمیت، موجب کاهش تنش‌های اجتماعی و استحکام روابط بین افراد جامعه می‌گردد. این اطمینان علاوه بر تقویت مؤلفه‌های بازدارنده در برابر تهدیدات خارجی، به واسطه پیوند عمیق بین اندیشه و عمل، زمینه‌ساز پدید آمدن افکار مثبت و رفتارهای عقلانی در شرایط بحرانی است. در متون روایی اسلامی به این ارتباط میان فکر و عمل توجه ویژه‌ای شده است، چنان‌که در برخی روایات، اعمال به عنوان محصول افکار معرفی شده‌اند؛ «اندیشه‌ها، رهبران اعمال‌اند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۶، ص ۴۰) وجود آرامش فکری در افراد به تصمیم‌گیری‌های عقلانی‌تر و راهبردی‌تری می‌انجامد. افزون بر این، امنیت روانی جامعه به شدت موجب کاهش ظهور و فعالیت‌های منافقانه می‌گردد. هنگامی که مردم در آرامش و امنیت روانی به سر می‌برند، منافقان به دلیل بیم از افشای هویت خود، در انزوا قرار می‌گیرند و در جهت حفظ منافع خود از اقداماتی آشکار اجتناب می‌ورزند. بنابراین وجود چنین فضایی، مانع از بروز و نفوذ آشکار منافقان در جامعه می‌گردد.

اهمیت امنیت روانی حتی فراتر از امنیت جانی و فیزیکی است؛ چرا که این نوع امنیت،



افزون بر جلوگیری از تحرک منافقان، در شرایط بحرانی و به ویژه در زمان جنگ، با ایجاد آرامش روانی و تسلط بر احساسات افراد، امکان تصمیم‌گیری‌های صحیح و راهبردی را در مواجهه با تهدیدات خارجی فراهم می‌سازد. آیه‌ای که به موضوع ارجاف می‌پردازد و محور بررسی‌های این پژوهش قرار دارد، حاکی از اهمیت فوق‌العاده امنیت روانی است. شایان ذکر است که این آیه در دوران استقرار حکومت اسلامی در مدینه نازل گردید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۱۸۳) و منافقینی را که با سوءاستفاده از جوان بودن حکومت اسلامی در پی تضعیف آن بودند، با تهدید شدید مواجه ساخت و مانع فعالیت‌های تخریبی آنان شد. این تهدیدات قاطع، همچون حکم صریح آیه ارجاف یا فرمان آیه «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ» (توبه/۷۳)، که پیامبر را به جهاد با کفار و منافقین و شدت عمل در برابر آنان فرا می‌خواند، موجب شد که منافقین در دوران پیامبر اسلام ﷺ از مخالفت‌های علنی و گروهی پرهیز کنند و تاریخ جنگ‌های پیامبر غالباً با مشرکین و کفار باشد؛ به طوری که برخوردها با منافقین بیشتر در مراحل ابتدایی خنثی می‌شد و نمونه‌هایی از آن نیز با تدابیر هوشمندانه پیامبر اکرم ﷺ از بین رفت. به عنوان مثال، دستور تخریب مسجد ضرار پیش از آنکه این اقدام به تزلزل امنیت فکری مردم و تضعیف حاکمیت بینجامد، عملی شد و این مرکز تخریب‌گر از میان برداشته شد (موسوی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۵۶).

در عین حال، در دوران حکومت امیرالمؤمنین علی علیه السلام، به دلیل وقایعی که به وحدت مسلمانان آسیب وارد کرد، شرایط تغییر نمود و منافقین قدرت بیشتری یافته و اقدامات منافقانه و علنی آنان به درگیری‌هایی چون جنگ‌های جمل، نهروان و صفین منجر شد؛ طرفین این درگیری‌ها هم مسلمانان حقیقی و هم افرادی بودند که صرفاً تظاهر به اسلام می‌کردند (ابن هشام، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۷۳).

با توجه به مباحث فوق، روشن است که امنیت روانی جامعه علاوه بر ایجاد آسایش فکری عمومی، یک سد مؤثر در برابر اقدامات منافقانه و برهم‌زننده امنیت اجتماعی محسوب می‌شود. اهمیت امنیت روانی در سطح جامعه، فراتر از امنیت جانی و فیزیکی بوده و نقش بنیادین آن در حفظ وحدت و انسجام اجتماعی کاملاً مشهود است. این موضوع، نیازمند تدوین قوانینی منسجم و مبتنی بر اصول است. چنانکه اشاره شد، این امر در فرمایشات رهبر معظم انقلاب نیز مورد تأکید قرار گرفته و خواستار تهیه قوانین جامع و مبتنی بر ضوابط برای مقابله با مخلان امنیت روانی جامعه شده‌اند.



۲. ارجاف در لغت و اصطلاح

ارجاف، مصدر باب افعال از ریشه «رجف» است و در معانی مختلفی همچون «اختلاج»، «ارتجف»، «ارتعد»، «ارتعش»، «اضطراب»، «اهتز»، «تحرك» و «تزلزل» استعمال شده است. به طور کلی، ارجاف در لغت گاهی به معنای «پراکندن اخبار نادرست» و «نشر سخنان کذب» تعریف می‌شود. بر اساس این تعریف، دروغ بودن اخبار در تحقق مفهوم ارجاف شرط است؛ اخباری که موجب اضطراب عمومی می‌شوند، اگر راست باشند، در محدوده ارجاف قرار نمی‌گیرند (رک: دهخدا، ماده «رجف»؛ راهپوری، ۱۳۳۷، ماده «رجف»). در معنایی دیگر ارجاف به «شایع کردن فتنه» و «اخبار نگران‌کننده» ولو کذب نباشد اشاره دارد؛ به گونه‌ای که عبارت «ارجف القوم» به فرو رفتن در اخبار فتنه و «ارجفت الارض» به معنای لرزیدن زمین است (رک: راغب، ۱۴۱۲، ص ۳۰۴؛ خان نفیسی، ۱۳۴۳، ج ۱، ص ۱۶۶).

در اصطلاح، ارجاف به معنای انتشار اخبار دروغین، شایعات دهشتناک و ایجاد وحشت و اضطراب در جامعه است که با هدف تخریب روانی و تشویش افکار عمومی علیه حاکمیت صورت می‌گیرد (رک: طوسی، بی تا، ج ۱۰، ص ۲۵۳؛ آخوندی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۲). شایعات باطل به ویژه زمانی که مرتبط با امنیت جامعه باشد، اضطراب عمومی را افزایش داده و افراد را به واکنش‌های هیجانی و فاقد منطق سوق می‌دهد، واکنش‌هایی که به دور از عقلانیت و حقیقت هستند.

۳. آیات ارجاف و تحلیل آن

در قرآن کریم، واژه «رجف» در چندین آیه در معنای لغوی آن، یعنی زلزله و لرزش، به کار رفته است (رک: زمزل/ ۱۴؛ نازعات/ ۶؛ اعراف/ ۱۵۵؛ عنکبوت/ ۳۷ و...). اما در آیات ۶۰ تا ۶۲ احزاب، این واژه معنای اصطلاحی متفاوتی به خود گرفته است. برای تبیین دقیق‌تر موضوع، این آیه و دو آیه بعدی به شرح زیر بیان شده‌اند: «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا مَلْعُونِينَ اٰيْمًا تَقْفُوا اٰخِذُوا وَ قَتَلُوا تَقْتِيْلًا سُنَّةَ اللّٰهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلٰكِنْ تَجِدْ لِسُنَّةِ اللّٰهِ تَبْدِيْلًا» (احزاب/ ۶۰ تا ۶۲)؛ «اگر منافقان و کسانی که در دل‌هایشان مرضی دارند و شایعه‌افکنان در مدینه از کارشان باز نایستند، تو را سخت بر آنان مسلط می‌کنیم تا جز مدتی اندک در همسایگی تو نمانند. اینان لعنت‌شدگانند و هر جا یافت شوند، گرفته و به سختی کشته می‌شوند. این سنت خداوند است که در میان پیشینیان نیز برقرار بوده و در سنت خدا تغییری نخواهی یافت».



تحلیل دقیق موارد و مفاهیم این کلام الهی در چهار مسئله زیر پیگیری می‌گردد:

۳-۱. شأن نزول آیات ارجاف

پیش از تحلیل آیات مذکور و بیان احکام مستفاد از آنها، لازم است شأن نزول این آیات به طور دقیق بررسی گردد تا روشن‌تر بتوان مقصود از این پژوهش را دنبال کرد. اجماع نظر میان مفسرین حاکی از آن است که آیات مربوط به ارجاف در جریان جنگ تبوک و در زمانی نازل شده‌اند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه حضور نداشتند. در این دوره، شایعات ترسناک و اخبار نادرست در میان مردم رواج یافته بود و این امر موجب تضعیف روحیه و اضطراب در دل مسلمانان می‌شد. این شایعات که از سوی برخی منافقان منتشر می‌شد، اهداف خاصی را دنبال می‌کردند؛ به ویژه افرادی که خود در میدان جنگ حاضر نبودند و از طریق نشر اکاذیب و ایجاد ترس و ناامیدی می‌کوشیدند جنگ روانی به راه انداخته و وحدت اسلامی را تضعیف نمایند.

بر اساس تفسیرهای معتبر از جمله مجمع البحرین (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۵۲) و مجمع البیان (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۱۸۲)، این منافقان اقدام به انتشار اخبار دروغین می‌کردند؛ برای مثال شایعه می‌کردند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یا سپاهیان ایشان در نبردها کشته یا شکست خورده‌اند. این اخبار که همراه با اضطراب و ناپایداری بودند، سبب لرزش و تزلزل دل‌های مسلمانان می‌گردید. همچنین، در اسباب النزول (رفیعی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۱۵۸) و تفسیر قمی (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۹۶) آمده است که آیه ارجاف در واکنش به همین شایعات نازل شده است تا مسلمانان را از این جریان نفاق‌آمیز آگاه ساخته و آنان را از تهدیدات امنیتی و روانی پیش‌روی جامعه اسلامی هوشیار سازد. این آیه تهدیدی قاطع برای منافقانی بود که با نشر این شایعات در صدد بودند امنیت روانی جامعه اسلامی را تخریب کرده و حاکمیت اسلامی را با خطر مواجه کنند.

۳-۲. مفهوم‌شناسی ارجاف در قرآن و مصادیق آن در عصر تکنولوژی

ارجاف در قرآن کریم با توجه به بیان مفسرین (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۲۳۶؛ بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۴۹۶)، قرائتی همچون شأن نزول، روایاتی که در این خصوص نقل شده و تطبیقات معصومین علیهم السلام (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۳، ص ۳۵۶؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۳۳۱) به مفهوم عامی از ایجاد اضطراب، نگرانی و بی‌ثباتی در جامعه اشاره دارد و از آن برای توصیف اعمال کسانی استفاده شده است که به دنبال تضعیف نظام اسلامی و تخریب اعتماد عمومی هستند. بر



اساس این مفهوم، ارجاف به هرگونه تلاشی در جهت تزلزل افکار عمومی اطلاق می‌شود که هدف آن تخریب امنیت روانی، ایجاد بی‌اعتمادی عمومی و حتی همکاری با دشمن در راستای دستیابی به مقاصد تخریبی باشد. از این شواهد چندگانه به خوبی مشخص می‌گردد که در مدلول لغوی ارجاف، همان تفسیر دوم که اطلاق معنی و عدم وابستگی به کذب باشد، صحیح است. در واقع همان مدلول لغوی «رجف» که به معنی زلزله و تکان است در مفهوم کلمه «مرجفون» لحاظ شده است.

بنابراین برخلاف تصور بعضی که ارجاف را صرفاً به معنای نشر اکاذیب معنا کرده و دروغ بودن خبر را در تحقق مفهوم ارجاف شرط می‌دانند (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۱۸۲)، این مفهوم بسیار فراگیرتر بوده و هرگونه اطلاع‌رسانی یا گزارش واقعی یا ساختگی که باعث تشویش افکار عمومی شود را شامل می‌شود. پس در تحقق معنی ارجاف، پخش اخبار تشویش‌آفرین به خودی خود و صرفاً به دلیل دروغ بودن آن‌ها شرط اصلی محسوب نمی‌شود؛ بلکه ارجاف هر نوع خبر یا در حکم خبر همانند پخش کلیپ‌های ساختگی و یا اسرار شخصی و خانوادگی مسئولین رده بالای حکومتی و مانند آن را که باعث اضطراب و تشویش در جامعه شود، اعم از دروغ، تفأل، یا حتی القای بدبینی را شامل می‌گردد. این گستره معنایی بیانگر آن است که آنچه در ارجاف اهمیت ویژه دارد، نیت و قصد مرجف است و نه صرفاً محتوای خبری. بنابراین، هر خبری که با هدف ایجاد بی‌ثباتی روانی و تشویش اذهان عمومی منتشر شود، حتی اگر واقعی باشد، در محدوده ارجاف قرار می‌گیرد. شأن نزول آیات و همچنین قرائن حاکی از مناطات شارع در حفظ نظام اسلامی و دوام امنیت روانی جامعه حاکی از صحت این مدعاست. به طور خاص، عنصر «مریض القلب» بودن که در توصیف مرجفون آمده و در بخش بعدی بدان پرداخته شده است، نشان‌دهنده اهمیت نیت مغرضانه در ایجاد ارجاف است. ضعف ایمان و میل به تخریب نظام اسلامی به جهت عدم توان پذیرش حق و دیدن واقعیات است که مرجف را به عامل تشویش و اضطراب عمومی بدل می‌سازد. بدین ترتیب، تفاوت ارجاف با شایعات یا اخبار عادی در این است که در ارجاف، مرجف با انگیزه‌ای مخرب به دنبال تزلزل اعتماد عمومی نسبت به حاکمیت و سستی در پایه‌های امنیت جامعه اسلامی است. هدف آن تنها ایجاد نگرانی نیست، بلکه کمک به دشمن در جنگ روانی و حتی جنگ فیزیکی است.



۳-۳. ماهیت مرجفون و بررسی سه عنوان مذکور در آیه

بعد از روشن شدن شان نزول آیات مرتبط با مبحث ارجاف در سوره احزاب، و قبل از ورود به صفات دخیل در ماهیت مرجفون، باید برای روشن تر شدن ابعاد بحث به بیان مفردات این آیات پرداخت:

قرآن کریم در این آیات سه عنوان، منافقین، کسانی که قلب هایشان مریض است و مرجفون را در کنار یک دیگر آورده و بر هم عطف نموده است. سوالی که در این جا مطرح می گردد این است که، آیا این سه عنوان حاکی از سه گروه مجزاست و یا این که این سه عنوان سه خصوصیت مجتمع در یک گروه از افراد هست؟ به تعبیر دیگر وقتی صحبت از قتل مرجف می شود، آیا مراد همان مرجفی است که منافق است و در قلبش مریضی است و یا خیر، مرجف جداگانه، منافق جداگانه و کسی که مریض قلب هست نیز جداگانه این حکم را دارد؟! اهمیت این بحث از این حیث است که بعضی از مفسرین اهل سنت گفته اند: مرجفون در این آیه مخلان امنیت روانی نسبت به حاکمیت نیستند، بلکه به جهت آیات قبلی ایشان اذیت کنندگان زنان مؤمن هستند که با بیان اراجیف در مورد ایشان، موجب اذیت و از بین رفتن آبروی آنان می گردند (سلمی دمشقی، ج ۲، ص ۵۹۰)، در حالی که این آیه قطعا به تشویش آفرینان و مخلان امنیت ملی اشاره دارد و دلیل این مطلب هم تجمیع سه گانه این عناوین است که در ادامه آمده و به خوبی مشخص می دارد این مرجفان در واقع همان به ظاهر مسلمانانی هستند که به جهت نفاق و مریض القلب بودن، نمی توانند موجبات تعالی حاکمیت اسلامی را ببینند. به همین خاطر با اینکه در مملکت اسلامی زندگی می کنند، به رفتار تشویش آفرین خود می پردازند.

۳-۳-۱. نظر مفسران

به طور کلی مفسران قرآن در مورد این آیه دو نظر کلی ارائه داده اند.

۱. بیشتر مفسران معتقدند که عبارات «منافقون»، «فی قلوبهم مرض» و «مرجفون» همگی به یک گروه از افراد اشاره دارد که دارای هر سه صفت می باشند (رک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۳۴۰؛ قمی، ج ۲، ص ۱۹۶؛ قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۱۴، ص ۲۴۶؛ سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۶۹؛ صابونی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۴۹۶).

۲. برخی مفسران نیز این سه عنوان را به گروه های مختلفی از افراد اختصاص می دهند و معتقدند که هر عنوان به گروهی مجزا اشاره دارد. «فی قلوبهم مرض» به انسان های فاسق و



اهل فحشا، «منافقون» به منافقان، و «مرجفون» به شایعه‌پراکنان اختصاص دارد (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۵۲۹؛ واحدی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۴۸۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۵، ص ۲۳۲).

۲-۳-۳. بیان قول صحیح و ادله آن

آنچه با تحقیق در آیه و قرائن پیرامون آن بدست می‌آید، صحت قول اول است؛ بدین معنی که هر سه صفت برای یک گروه واحد لحاظ شده است. دلیل بر این امر اموری است که در ادامه می‌آید.
دلیل اول: عدم ذکر مجازات برای دو گروه دیگر در قرآن و عدم وجود سیره در برخورد با این دو گروه

قرآن در بسیاری از آیات به مسئله نفاق پرداخته و در چندین مورد، واژه‌های «منافق» و «مریض القلب» را با یکدیگر آورده است (بقره/۷-۱۰؛ نور/۴۸-۵۰). با این حال در هیچ یک از این آیات، مجازات دنیوی مشخصی که توسط پیامبر یا حاکم شرع بر این افراد بار شود، ذکر نشده است. حتی در سوره منافقون و سیره پیامبر اکرم ﷺ نیز، چنین مجازاتی مشاهده نمی‌شود. این مسئله نشان‌دهنده این است که نفاق به تنهایی و بدون بروز رفتارهای مخرب، مستوجب مجازات نیست. تاریخ نیز گواهی می‌دهد که پیامبر اکرم ﷺ هیچگاه با منافقین به صرف نفاق و بدون بروز رفتارهای منفی، برخورد نکرده است. در واقع آیات نفاق به وضوح بیان می‌کنند که تنها زمانی که نفاق با رفتارهای ناشی از آن به مرحله بروز می‌رسید و امنیت جامعه اسلامی را تهدید می‌کرد، پیامبر ﷺ اقدام به برخورد می‌کرد.

اگر آیه ارجاف به سه گروه مختلف اشاره می‌کرد و هر یک از این صفات سبب تبعید یا قتل می‌شد، باید با توجه به کثرت منافقین و افراد مریض القلب که بارها قرآن نیز بدان اشاره نموده و حتی سوره منافقون را در این فضا نازل کرده است، برخوردهایی به صرف نفاق داشتن و بدون هیچ عمل و رفتاری از سوی پیامبر اکرم ﷺ ثبت می‌شد. آنچه در تاریخ موجود است، مربوط به مواقعی است که منافقین به دلیل مریض القلب بودن و عدم پذیرش اعتلاء اسلام، اقداماتی علیه حاکمیت اسلامی انجام داده‌اند. این رفتارها در بُعد روانی شامل شایعه‌پراکنی، تضعیف روحیه مسلمانان و ایجاد تفرقه در جامعه اسلامی بوده است (ابن هشام، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۱۶؛ رضوانی، ۱۳۸۶، ص ۳۹۰).

دلیل دوم: جوانحی بودن نفاق و مریض القلبی و جوارحی بودن ارجاف

نفاق و مریض القلبی از امور جوانحی و درونی انسان‌هاست. این ویژگی‌ها به خودی خود



تا زمانی که به مرحله بروز و ظهور نرسند، مستوجب مجازات و عذاب نیستند. به عبارتی، اگر یک فرد به نفاق مبتلا باشد یا قلبش مریض باشد، اما این حالات در رفتار و گفتار او متجلی نشود، نمی‌توان او را به طور مستقیم مورد مواخذه قرار داد. زیرا در مجرمیت یک فرد جدای از عنصر معنوی و نیت سوء، وجود عنصر مادی و فعل مجرمانه نیز شرط است. در واقع موضوع جرم فعل و یا ترک فعل است؛ نه صرف داشتن نیت مجرمانه و قصد سوء (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، ص ۳۸۱)؛ به همین جهت نه در ابواب فقهی و نه در ابواب حقوقی، برای نیت مجرمانه صرف، مواخذه و مجازاتی وجود ندارد (گرچی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۲۱)؛ به همین خاطر در این حالت، با اینکه خداوند منافقین را از نفاق نهی می‌کند و به ایمان قلبی دعوت می‌نماید، ایشان به صرف قبول ظاهری اسلام و گفتن شهادتین، مسلمان محسوب می‌شوند و از تمامی حقوق خود بهره‌مند می‌گردند. اما ارجاف به عنوان یک عمل جوارحی، خروجی از نفاق و مریض القلبی است که به مرحله بروز و ظهور رسیده است. ارجاف به معنای انتشار شایعات و تضعیف روحیه جامعه است. این عمل نمادی از نفاق و بیماری قلبی است که در فرد وجود دارد. از این رو، زمانی که رفتار ارجاف بروز می‌کند، عنصر مادی برای جرم‌انگاری محقق شده و مستوجب مجازات و برخورد قاطع می‌گردد. بنابراین این سه عنوان نشان‌دهنده یک گروه واحد هستند؛ نفاق و مریض القلب بودن سبب بروز رفتارهای مخرب و ارجاف در جامعه می‌شود. لذا خداوند متعال دستور به مقابله با آن‌ها می‌دهد تا امنیت و آرامش جامعه حفظ شود. به بیان دیگر، این سه عنوان به هیچ وجه نمایانگر سه گروه مختلف نیستند، بلکه به یک گروه واحد اشاره دارند که در نتیجه نفاق و بیماری قلبی خود، به رفتارهای ناپسند و مخرب دست می‌زنند.

۳-۴. احکام مستفاد از آیات

۳-۴-۱. حرمت

حرمت و نکوهش از ارجاف به عنوان یک حکم تکلیفی یقینی در اسلام مورد تأکید قرار گرفته است. در بعضی از آیات قرآن به عواقب آن اشاره شده است. علت حرمت این است که حفظ نظام اسلامی از واجبات اولیه‌ای است که بر هر مسلمان فرض می‌شود. هر گونه تضعیف و تخریب این نظام نه تنها حرام، بلکه بسیار مذموم است. بلکه چه بسا بتوان حرمت ارجاف را به خاطر نفس عمل و بدون در نظر گرفتن عواقب و تاثیرات آن نیز، قائل شد. همانطور که مرحوم



آیت‌الله شاهرودی تصریح کرده‌اند همین که ارجاف، کذب و یا حتی عمل باطلی محسوب گردد، حرام خواهد بود و لو اینکه موجب ضرر در سطح جامعه و یا ضرر به حاکمیت و دولت نشود (شاهرودی، ۱۴۲۳، ج ۹، ص ۴۳۱).

۲-۴-۳. تبعید

یکی از احکام مرجفین، تبعید ایشان است که از عبارت «لَا يُجَاوِزُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا» خداوند به پیامبرش دستور می‌دهد که برای حفظ امنیت روانی و اجتماعی در جامعه اسلامی، این افراد را تبعید کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۳۴۰).

تبعید به عنوان یک اقدام مؤثر در جلوگیری از گسترش شایعات و ناامنی روانی در میان مسلمانان - به ویژه در زمان‌های قدیم - نقش مهمی ایفا می‌کرد. اما با توجه به پیشرفت‌های فناوری و گسترش رسانه‌های اجتماعی، تأثیر تبعید ممکن است کاهش یابد. در دنیای امروز که به نوعی به یک «دهکده جهانی» تبدیل شده، افراد می‌توانند به راحتی از طریق رسانه‌های مجازی به انتشار شایعات و اخبار کذب بپردازند. به همین دلیل، با توجه به آنکه تعزیرات و میزان آن معمولاً به دست حاکم است و از باب اثر بخشی به مجازات تبعید که در آیه آمده است، حاکم شرع می‌تواند اقداماتی تعزیری را در نظر بگیرد که به طور مؤثرتری با این چالش‌ها مقابله کند.

۳-۴-۳. حبس در تبعید

یکی از راه‌های جلوگیری از نفوذ تشویش‌آفرینان بر بدنه جامعه، تبعید این‌گونه افراد با حبس در تبعید است، این‌گونه مجازات گزاره‌ای سابقه دار در کلام بعضی از فقهاء می‌باشد (رک: طبسی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۲۵۹).

۴-۴-۳. ممنوعیت دسترسی به رسانه‌های مجازی

با توجه به اینکه رسانه‌های اجتماعی می‌توانند به سرعت شایعات را گسترش دهند، ممنوعیت دسترسی به این رسانه‌ها برای مرجفین می‌تواند به عنوان یک اقدام مؤثر در کنترل و کاهش اثرات منفی آنها در جامعه باشد. این ممنوعیت با توجه به صلاح‌دید حاکم و در جهت استیفای اغراض شارع در برخورد با مخلان امنیت قرار داده می‌شود. اهمیت تبعید مخلان امنیت روانی و در نظر گرفتن تعزیرات حکومتی به عنوان یک حکم اسلامی برای حفظ امنیت روانی جامعه



بر کسی پوشیده نیست. جا دارد در راستای قانون‌گذاری در مسئله امنیت روانی کشور و در راستای منویات مقام معظم رهبری، توجه ویژه‌ای به این آیات نمود.

۵-۴-۳. قتل

یکی دیگر از احکام مستفاد از این آیات تهدید به قتل و در نهایت در صورتی که اصرار بر تکرار و اخلال باشد، قتل و کشتن مخلین امنیت روانی می‌باشد؛ خداوند متعال در این باره می‌فرماید: «اینما ثقفوا اخذوا و قتلوا تقتیلاً». این آیه به صراحت به حکم قضایی مرجفان و مخلین امنیت روانی در سطح کلان جامعه اشاره دارد و مهدور الدم بودن آن‌ها را تأیید می‌کند. واژه «ثقفوا» به معنای دستیابی و مهارت در شناسایی است که در اینجا به شناسایی و برخورد با مرجفان اشاره دارد. این افراد همان‌طور که از ماده ۲۸۶ قانون مجازات فهمیده می‌شود، به عنوان مفسد فی الارض شناخته می‌شوند که در صورت تکرار ارجاف، باید مجازات شوند. مخاطره برای جامعه هم در بعد فیزیکی و هم در بعد روانی، مضر است و باید مورد ارزیابی و مقابله قرار گیرد؛ پس همان‌طوری که قرآن برای محاربینی که امنیت فیزیکی را به مخاطره می‌اندازند و یا بغات و شورش کنندگان علیه حاکم اسلام سخت‌ترین مجازات‌ها را در نظر می‌گیرد، نسبت به مخلان امنیت فکری نیز در جایی که احساس خطر شود، احکام تشبیهی و بازدارنده سختی را مورد نظر قرار می‌دهد. البته ابتدا اتمام حجت و تذکر به مرجفان ضروری است و به همین جهت در ابتدای آیه خداوند می‌فرماید: «لئن لم ینتھ المنافقون...» یعنی اگر از اعمالشان دست برداشتند و اصرار در ادامه رفتارهای مخرب نمودند، حکم الهی ایجاب می‌کند که با آن‌ها برخورد جدی‌تری صورت گیرد. قتل مرجفان به عنوان یک حکم الهی، نه تنها به دلیل تضعیف نظام، بلکه به منظور حفظ امنیت جانی مردم ضروری است. جنگ نرم و روانی که مخلان امنیت به راه می‌اندازند، می‌تواند به مراتب خطرناک‌تر از جنگ‌های مسلحانه باشد. زیرا این نوع جنگ به صورت نامحسوس انجام می‌شود و می‌تواند به سرعت به تضعیف بنیان‌های امنیتی مردم، نظام و مشروعیت آن منجر شود.

۶-۴-۳. ملعونیت ابدی

لعن به معنای طرد و دور شدن از رحمت الهی است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۳۰۹)؛ اما لعن در این آیه به خصوص طبق تفسیر موجود در کلام امیرالمومنین علیه السلام به معنی صدور جواز پیکار و قتل چنین افرادی می‌باشد: «... أی لعنهم الله فسمی اللعنة قتالا» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۳۳۶)،



این افراد به دلیل عمل ناپسند خود، نه تنها از رحمت الهی دور هستند، بلکه همچون شورشیان و محاربین به عنوان مفسد فی الارض شناخته شده و مستحق مجازات‌های سنگین و قاطعند. پس لعن خداوند بر مرجفان، نشان‌دهنده‌ی عدم پذیرش آن‌ها در جامعه مؤمنین و عدم تحمل رفتارهای مخرب آن‌هاست.

۴. اشکالات قابل طرح و پاسخ به آن

در رابطه با آیه ارجاف، برخی اشکالات و شبهاتی مطرح می‌شود که نیازمند بررسی دقیق و پاسخ به منظور تقویت استدلال هستند:

۴-۱. اختصاص احکام به زمان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

یکی از شبهات این است که احکام مربوط به ارجاف، به دلیل تازگی حکومت اسلامی و تلاش‌های مخالفان برای ایجاد شکاف و اضطراب در جامعه، واکنش‌هایی اضطراری و موقت بوده و تعمیم آن‌ها به عصر حاضر دلیل کافی ندارد.

در پاسخ باید گفت: اولاً، اصل تعمیم احکام الهی اقتضا می‌کند که این احکام شامل همه مخاطبان، اعم از مشافهین و غیرمشافهین باشد؛ مگر آنکه خلاف آن ثابت شود (خوئی، ۱۴۱۰، ۲۷۳/۵). ثانیاً، وحدت مناط در احکام الهی دال بر آن است که ضرورت حفظ امنیت روانی و نظام اسلامی تنها محدود به زمان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نبوده و در عصر حاضر نیز، بدون تفاوت باقی است؛ از این رو، فقها حفظ نظام اسلامی را از اهم واجبات دانسته‌اند (رک: نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۰، ص ۴۰؛ امام خمینی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۴۶۱). ثالثاً، تصریح قرآن کریم در ادامه همین آیات که می‌فرماید: «سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» گویای این حقیقت است که برخورد با تشویش‌آفرینان، سنت الهی است و نه تنها در امت‌های پیشین وجود داشته، بلکه تغییری در آن ایجاد نخواهد شد.

۴-۲. محدودیت حکم به شخص پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

شبهه دوم، هرچند ملاک احکام الهی در این موضوعات واحد است، اما مجری این احکام شخص پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بوده و در عصر حاضر با نبود ایشان با معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام، این احکام قابلیت اجرا ندارند؛ زیرا آیات ارجاف، مستقیماً پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را مخاطب قرار داده‌اند.



در پاسخ به این شبهه باید گفت: هر چند اختلافاتی میان فقها در باب اجرای حدود در عصر غیبت وجود دارد (محقق حلی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۱۵؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۱، ص ۳۸۶)، اما با توجه به پذیرش اکثریت فقهاء، این مشکل نیز مرتفع می‌شود (رک: امام خمینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۴۳۳). در غالب موارد، قانون‌گذاری در این موضوع به صورت تعزیرات بوده و اجرای آن در عصر غیبت با حاکم شرع است (رک: شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۸۱۰).

۳-۴. اختصاص حکم به مردم مدینه

شبهه سوم، با توجه به عبارت «... الْمُرْجُفُونَ فِي الْمَدِينَةِ»، ممکن است تصور شود که حکم ارجاف مختص به مردم مدینه بوده و قابل تعمیم به سایر نقاط نیست.

در پاسخ باید گفت: اولاً، همان‌طور که اشاره شد، مناط حفظ نظام اسلامی در تمامی مناطق اسلامی یکسان است. ثانیاً، ممکن است ذکر کلمه «مدینه» مطلق منطقه‌ای باشد که حاکمیت اسلامی در آن وجود دارد، نه صرفاً شهر مدینه که در آن زمان وسعت اندکی داشت. ثالثاً، شواهد تاریخی نیز، این امر را تایید می‌کنند، امیرالمؤمنین علیه السلام در کوفه و حتی در مصر به محمد بن ابی‌بکر دستور دادند که مرجفون را آرام کند و در صورت امتناع از بیعت، آن‌ها را تبعید یا در صورت مقاومت، سرکوب کند. همچنین حضرت در مواجهه با دو قبیله «غنی» و «باهله» که در جنگ صفین به تشویش‌آفرینی پرداخته بودند، دستور تبعید آن‌ها را صادر نمودند (رک: تفتی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۱۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۳، ص ۳۵۶).

۴-۴. عدم استناد فقها به آیه ارجاف

شبهه چهارم اگر آیه ارجاف به روشنی حکم برخورد با مرجفون را بیان می‌کند، چرا فقها تا به حال آن را در ابواب فقهی - مثل باب حدود - نیاورده‌اند؟

در پاسخ باید گفت: اولاً، عدم پرداختن فقهاء به این مسئله به دلیل نبود حکومت اسلامی با حاکمیت فقیه جامع‌الشرایط در اعصار گذشته می‌باشد و لذا این امر را ضروری نمی‌دانسته‌اند؛ همان‌گونه که برخی مسائل حکومتی و تعزیرات، پس از انقلاب اسلامی مطرح و بررسی شدند. ثانیاً، عدم پرداختن فقهاء به این مسئله مانع از مشروعیت استناد به آیه ارجاف نمی‌شود. چنان‌که برخی از فقها مانند مرحوم آیت‌الله شاهرودی این آیه را جزء آیات الاحکام دانسته و شایسته استدلال فقهی می‌دانند (رک: شاهرودی، ۱۴۲۳، ج ۹، ص ۴۳۱).



۴-۵. چالش در شناسایی مصادیق مرجفون

شبهه آخر مربوط به دشواری شناسایی دقیق افراد مشمول حکم ارجاف، در جامعه امروزی است. در دوران صدر اسلام، جامعه کوچک و افراد قابل شناسایی بودند اما پیچیدگی‌های اجتماعی امروزی شناسایی منابع ارجاف را دشوارتر کرده است.

در پاسخ باید گفت: اولاً، در عصر رسانه‌ای کنونی، شناسایی منابع ارجاف با ردیابی آی‌پی و روش‌های نظارتی ممکن است. ثانیاً، ساختارهای تشکیلاتی و اطلاعاتی به وجود آمده، یافتن تشویش‌آفرینان اصلی و مرتبطین آن‌ها را ساده‌تر کرده است. ثالثاً، این چالش نباید بهانه‌ای برای ترک برخورد باشد. وظیفه حاکمیت است که بر اساس ادله شرعی، قوانین مقتضی را برای مواردی که مجرمیت افراد محرز است، تدوین و اجرا کند. البته در مواردی که مجرمیت افراد مشکوک است، قاعده «تدرؤوا الحدود بالشبهات» مقدم بر اجرای حکم است، اما این موضوع مانع از لزوم تقنین در زمینه ارجاف نمی‌گردد.

نتیجه‌گیری

توجه به آیات ارجاف، در عصر حاضر، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با توجه به چالش‌های متعددی که فضای رسانه‌ای نوین و فناوری‌های ارتباطی ایجاد کرده‌اند، ضرورت دارد که جامعه اسلامی به این آیات به عنوان مبنای قانونی مستحکم در جهت حفظ امنیت روانی و اجتماعی توجه کند. احکام صادره از سوی قرآن در خصوص برخورد با مخلان امنیت، نه تنها باید در قالب قوانین مؤثر و عملیاتی تنظیم شوند، بلکه باید به گونه‌ای طراحی گردند که از وحدت و همبستگی اجتماعی حمایت کنند. در این راستا، با شناخت دقیق ابعاد مختلف آیه ارجاف و تحلیل عمیق آن، می‌توان به راهکارهای مؤثری برای مقابله با تشویش‌گران و ناامنی‌های روانی دست یافت و با افراد بیمار و مریض‌القلبی که هرآینه به دنبال آن هستند تا از فضاهای گل‌آلود و حساس جامعه به نفع اهداف شوم خود بهره‌وری نمایند، برخورد درخور مناسب نمود. در عصر دیجیتال، که اطلاعات به سرعت منتشر و به سادگی بر افکار عمومی تأثیر می‌گذارد، توجه به امنیت روانی جامعه به عنوان یک اصل بنیادین در نظر گرفته می‌شود. به همین ترتیب، نیاز به قاطعیت و جدیت در اجرای احکام الهی بیش از پیش احساس می‌شود تا از بروز ناهنجاری‌ها جلوگیری شده و شرایطی فراهم گردد که ارزش‌های اسلامی در بستر یک جامعه متعهد و پایدار، تداوم یابد.



پیشنهاد می‌شود که علاوه بر تصویب قوانین مؤثر، یک نهاد ناظر برای پیگیری و اجرای این قوانین در نظر گرفته شود تا به بررسی و تحلیل رفتارهای تهدیدآمیز بپردازد و در صورت نیاز، به مسئولان ذی‌ربط گزارش دهد. همچنین، برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی برای آگاه‌سازی جامعه نسبت به اهمیت امنیت روانی و چالش‌های موجود در فضای رسانه‌ای، می‌تواند به تقویت توانایی افراد در شناسایی و مقابله با اخبار و اطلاعات نادرست کمک کند. توجه به سواد رسانه‌ای به عنوان یک ضرورت اجتماعی باید در دستور کار قرار گیرد تا افراد بتوانند در مواجهه با اطلاعات نادرست و شبهه‌برانگیز، با تحلیل و تفکر انتقادی عمل کنند. ورود فقها و علمای دین به این عرصه، برای تدوین و تقویت مبانی فقهی و حقوقی در خصوص امنیت روانی جامعه، امری بسیار حیاتی است. فقها با درک عمیق از متون دینی و توانایی تفسیر آن‌ها، می‌توانند به ارائه راهکارهای مبتنی بر اصول اسلامی بپردازند تا ضمن حمایت از امنیت اجتماعی، حقوق فردی را نیز، مورد توجه قرار دهد. به همین جهت برگزاری نشست‌های علمی و پژوهشی بین فقها و کارشناسان حوزه‌های اجتماعی و حقوقی می‌تواند به ایجاد یک چارچوب قانونی مؤثر کمک کند. در نتیجه نه تنها مخلان امنیت را پاسخگو سازد، بلکه به تقویت همبستگی اجتماعی نیز بینجامد. بنابراین با اتخاذ رویکردی مؤثر و مبتنی بر آموزه‌های دینی و با همکاری فقها، می‌توان از بروز ناهنجاری‌ها جلوگیری کرد و امنیت روانی جامعه را به عنوان یک اصل بنیادین حفظ نمود.



فهرست منابع

- قرآن کریم.
۱. آخوندی، مصطفی (۱۳۷۴). اصطلاحات نظامی در فقه اسلامی. تهران: سپاه پاسداران.
 ۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹). مناقب آل ابی طالب (ع). قم: علامه.
 ۳. ابن هشام، عبدالملک (بی تا). السیره النبویه. بیروت: دار المعرفه.
 ۴. بحرانی، هاشم (۱۳۷۴). البرهان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسه بعثت.
 ۵. بنینی، عبدالرحیم فرغل (۱۴۳۲ق). المنافقون و المرجفون فی نظر القرآن. مجله منبر الاسلام، ۹۶-۱۰۴.
 ۶. پاک‌نیا، عبدالکریم (۱۳۹۸). بهار و تابستان). شایعه مهم‌ترین ابزار جنگ روانی دشمن. مجله ره‌توشه، ۱۱۸، ۱۱-۲۲.
 ۷. پنبه‌دانه‌زاده، فاطمه (۱۳۹۱). زمستان). شایعه در قرآن و روایات. لسان صدق، ۱(۳).
 ۸. ترکاشوند، منصور؛ حیدری، عباسعلی؛ قیّم‌زاده، محمود (۱۴۰۰). جرم سیاسی ارجاف در فقه اسلامی. جستارهای سیاسی معاصر، ۴.
 ۹. تقفی، ابراهیم (۱۳۹۵ق). الغارات. تهران: انجمن آثار ملی.
 ۱۰. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۷ش). ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش.
 ۱۱. خان نفیسی، علی‌اکبر (۱۳۴۳ش). فرهنگ نفیسی. تهران: خیام.
 ۱۲. خمینی، روح‌الله (۱۳۶۵ش). تحریر الوسیله. قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
 ۱۳. _____ (۱۳۷۶). البیع. قم: مؤسسه نشر امام خمینی.
 ۱۴. خوئی، ابوالقاسم (۱۴۱۰ق). محاضرات فی اصول الفقه. قم: انصاریان.
 ۱۵. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۵). فرهنگ‌نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
 ۱۶. راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. بیروت: دارالقلم.
 ۱۷. راهپوری، محمد (۱۳۳۷ش). غیاث اللغات. تهران: کانون معرفت.
 ۱۸. رضوانی، علی‌اصغر (۱۳۸۶ش). اسلام‌شناسی و پاسخ به شبهات. قم: مسجد مقدس جمکران.
 ۱۹. رفیعی، مجیب جواد جعفر (۱۴۲۱ق). اسباب النزول فی ضوء روایات اهل البیت (علیهم‌السلام). قم: دار الغدیر.
 ۲۰. سلمی دمشقی، عز بن عبدالسلام (۱۴۱۶ق). تفسیر عز بن عبدالسلام. بیروت: دار ابن حزم.
 ۲۱. سمرقندی، ابوليث (۱۴۱۶ق). تفسیر السمرقندی. بیروت: دارالفکر.
 ۲۲. شاهرودی، سید محمود (۱۴۲۳ق). موسوعه الفقه الاسلامی. قم: مؤسسه دائره‌المعارف فقه اسلامی.
 ۲۳. شیخ طوسی، محمد بن حسن (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۲۴. شیخ مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). المقنعه. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
 ۲۵. صابونی، محمد (۱۴۱۷ق). صفوه التفاسیر. قاهره: دارالصابونی.
 ۲۶. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه.
 ۲۷. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۵ق). مجمع البیان. بیروت: مؤسسه علمی.
 ۲۸. طبسی، نجم‌الدین (۱۴۱۶ق). النفی و التغریب فی مصادر التشریح الاسلامی. قم: مجمع الفکر الاسلامی.



۲۹. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ش). مجمع البحرین. تهران: مرتضوی.
۳۰. طیب، عبدالحسین (۱۳۷۸ش). اطیب البیان فی تفسیر القرآن. تهران: اسلام.
۳۱. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۲. فیض کاشانی، محسن (۱۴۱۵ق). تفسیر الصافی. تهران: الصدر.
۳۳. قرطبی، محمد بن احمد (۱۴۰۵ق). تفسیر القرطبی. بیروت: دار احیاء التراث.
۳۴. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳ش). تفسیر علی بن ابراهیم. قم: دارالکتاب.
۳۵. گرجی، ابوالقاسم (۱۳۷۴). حقوق جزای عمومی اسلام. تهران: نشر داد.
۳۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۷. محقق حلی، نجم‌الدین (۱۴۱۸ق). المختصر النافع فی فقه الإمامیه. قم: مؤسسه المطبوعات الدینیة.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۹. موسوی، مالک (۱۴۱۳ق). قصه آیه حذار من مساجد الضرار. رساله القرآن.
۴۰. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۱. واحدی، علی (۱۴۱۵ق). تفسیر الوسیط. بیروت: دارالکتب العلمیه.